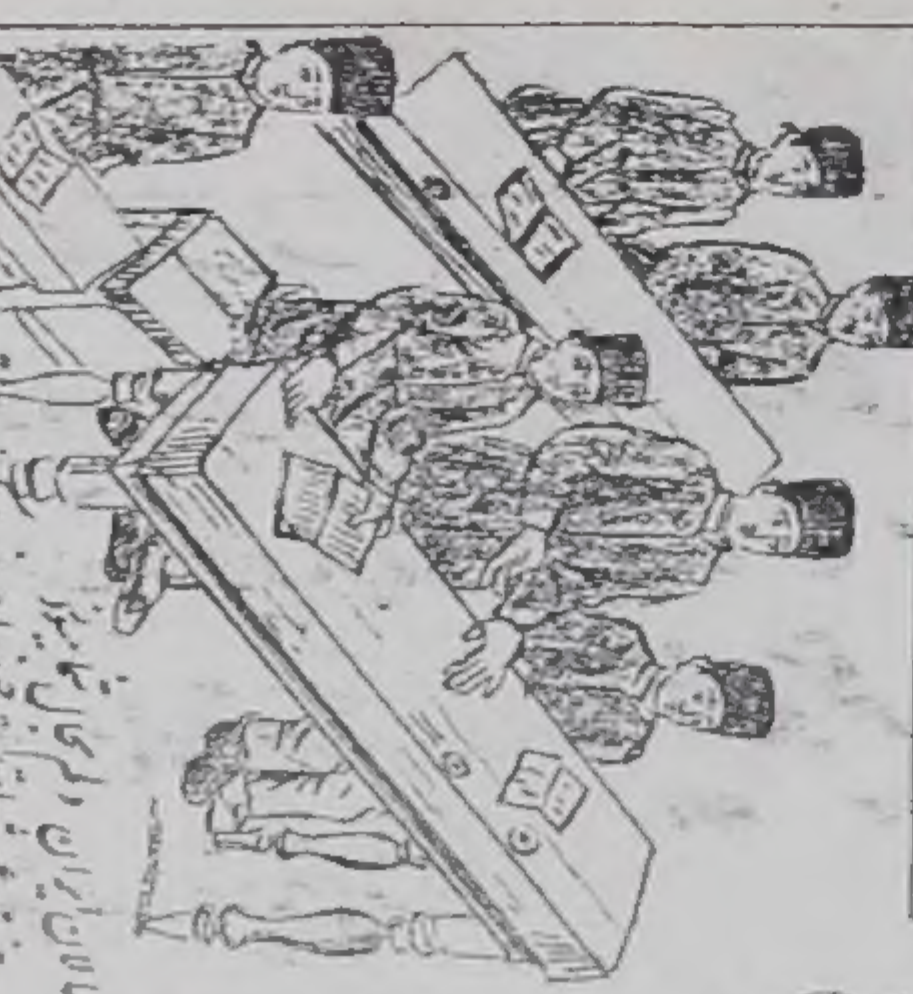




ایقان برین اعلان بیکم ازین مکتب
و دست راست دین از دست ارت و فاضل
بیشتر عالم و مریضه از ظلم که فضا لشکان مان برین لیسید



ایقان برین اعلان بیکم ازین مکتب
و دست راست دین از دست ارت و فاضل
بیشتر عالم و مریضه از ظلم که فضا لشکان مان برین لیسید



توان است خردا بر که مکتب
مست که راه را بداند
کاردی شاربنا و پید و دیگر
خود را بکار گیرد - طلاله جاد کرد



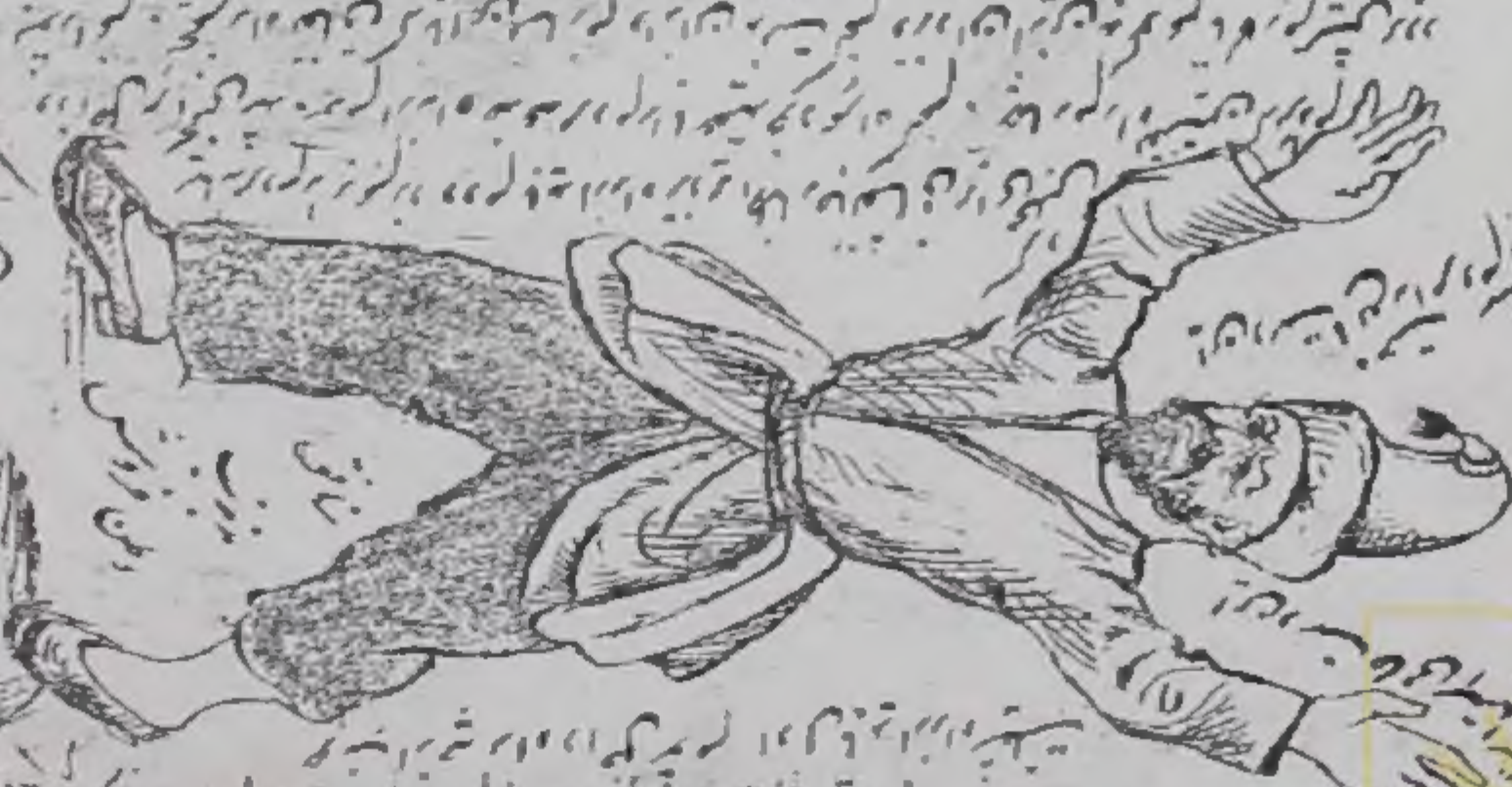
ایقان برین اعلان بیکم ازین مکتب
و دست راست دین از دست ارت و فاضل
بیشتر عالم و مریضه از ظلم که فضا لشکان مان برین لیسید



ایقان برین اعلان بیکم ازین مکتب
و دست راست دین از دست ارت و فاضل
بیشتر عالم و مریضه از ظلم که فضا لشکان مان برین لیسید



ایقان برین اعلان بیکم ازین مکتب
و دست راست دین از دست ارت و فاضل
بیشتر عالم و مریضه از ظلم که فضا لشکان مان برین لیسید



ایقان برین اعلان بیکم ازین مکتب
و دست راست دین از دست ارت و فاضل
بیشتر عالم و مریضه از ظلم که فضا لشکان مان برین لیسید

ایقان برین اعلان بیکم ازین مکتب
و دست راست دین از دست ارت و فاضل
بیشتر عالم و مریضه از ظلم که فضا لشکان مان برین لیسید

بر لفظ امر معروف و سایر عناوین شریعتی تخریب میکنند و آشکارا بر نوامیس آئینه استخفاف نمی آورند و بی محابا
فاذکیت و کالید و نیون و کبلر و هوکو در سوراخا زیاده از علم ارامت و انسبای بنی اسرائیل فضل
نشانند و اهل ذمه را بر مطالبه مساوات با مسلمین تشجیع نمی نمایند و در مکاتب اطفال با بکشیهای خوشی و مستخدم
نمایانند و تبدیل غارت و توطئه و خبیث فو نهالان با نمیر دارند و تا لای آید سیر از حیثان سپهسالار را با فواید
کار برهیم و هم عمل بر آورده است هر چه می شناسند و بر پایه آن فتنه روزگار براید بسیار ایجاد و بزبان آنها ناموس
شریعت و اهلش را بر باد می کنند اینهاست توطئه و تخریب و غارت و بی از شکراتی که فتنه و ضلالت مضد از بهار پستان
خریت و شور ویت برای با فرستاده اند و وعده داده اند که من بعد بر سر دم ازین باغ بوی برسانند تا رفقه
رفته آزادی محسد قباد و مساوات بی یزدک را از و اج بدهند و هر کس منکر و مزاحم بشود و بجلو گیری قیام
و ایستام کند او را بملطه حبس استبداد و تحت تخریب مجلس و اسپناد گرفتن و جوات و توسط حکومت قاتل
و امثال ذلک استخفاف بدهند و روزنامه چپای و قبح الوجیه بدی القبان خود را بر او تهریش میکنند و یک مشت
خس و خاشاک و معدودی بی پرهای ناپاک را گفت غنیور نامیده و در اینجوم آفاتید بدینند و اگر بخوابد مسلمانان
بیدار کرده و زرد های دین و دغلهای دنیا را بایشان نشان بدهد از خوف چادر بخوابانند و منبر بوزانند و بملکه کنند
و منقله بسیندازند غافل از آنکه هیچ جلد و هیچ وسیله حق را حق نخواهد شد و باطل فائق نخواهد الا سلام یعلم و علی
علیه و همچنین سایر اوصاف و شرایط و تسبیح و حد و دی که حج اسلام نجف اشرف برای مجلس شورای ملی
تکراف خودشان تصریح فرموده اند خصوصا تقویت دولت که همه می بینیم هر چند روز یکت جمله جور از برخلاف حقوق
کلیه بیه از دستجات نزد و دور و چیر که همه شهریه دارند یار و زانیگیر نسبت باحت سلطنت علمی ظاهر و صادر میشود
لاستیا آن تقویتها که در موقع جشن میلاد پامونی از وقت قدیم اصیل نجیب ایران در سمع و در آوی سفار تخانها و سایر
یگانه نادیده و شنیده شد و از نوز تا یج آن بی اندامیاد بی احترامیهاست که امروز ددنه های سبجوار در صد و ابران خودنا
و لک آرائی میکنند کشتیهای جنگی و روس در سه مرکز از سواحل جنوبی خنجر لنگر انداخته است و عساکر عثمانی محض جلو گیری

و اتفاق را برهم زدند و سپیدک تفرقه انداخته عادت و بر میستند حیدری قنبری را بایران عودت دادند قسمتی از علما
 در شهر با انواع چاپ و سپید و خوش آمدگوینها و منقشات دیگر قنبر کرده در فراجهای مبارکشان برنج که میخواهند
 تصرف میکنند که تصرف المذاک فی الاملاکم و ذوی الحقوق فی حقوقهم و اگر ارجاناً در موضوعی احساس مساعدی میکنند
 فی الفور تفرقه ریختن مجتهد محترمه تجدید بشود و از حسنه یاری کله سیاسی غن میرود و ترجمه پی ژرنال بشماره یک
 و قسمت دیگر از علما را در زاویه مقتدیه حضرت عبدالعظیم علیه السلام به فایز تمت و وطن روزنامه های کشور ای
 که از عایت نشد و مایکی و تنی دستی بکالای بنائی و بجائی معاش میگذرانند تدار داده و لایزال بر شقی عصا
 و تفریق کله می افشایند و خود در سایه این رقابت با فراغت خاطر نشسته نقشه میکشد و نقشها میریزند روزی نیست که
 گریه برقصانند و مگر که مارگیری بگیرند و با طایفه بازی بچینند از اینجا است که مجلس با مسلمانان را خاصه خود
 میخواهند و میدانند بجای ای مجلس بی ما بر این وضع حالیه که کارخانه خیال بانی با بسته شده (که
 بانی سال دیگر قصب دین حیدر شوی)

و از شهر ایط و اوصاف مجلس که در تکرار فسطور منظور شده و اند آن است که مجلس باید مجلس امر معروف و
 نهی از منکر بود و باشد علماء و مجرین زاویه مقتدیه هم به طور مجلس میخواهند نه آنکه هیچ مجلس نخواهند لغت خدا برکاتی
 با و که این نسبت را بایشان میدهند و بر مردم مقصد مجرین را مشتبه میکنند اینک از کسانی که حقیقه بوجود صانع
 قائل و بجناب مجید مقتد و بدین جنیف مقتدیه سؤال میکنیم و میگوئیم این مجلسی که می بینید در تحت سینه
 و استبداد لاند زبان و آزادی طلبان واقع شده است و تجاری احوال و اوضاع آن را مستقیماً بر سیاق پارلمان
 اروپا اداره میکنند آیا مجلس امر معروف و نهی از منکر است یا مجلس نهی از معروف و امر بمنکر است آیا بواسطه
 دادن مزدکیان عصر کله آزادی را در این ملک تجریات و تنکات مردم تا چه اندازد پسزوده است و قانون فحشا
 و فسوق و فجور تا کجا شایع شده آیا زنها لباس و از میپوشند و بپوش و بازار را نمی فتنند آیا در غرابات
 شب جشن چته را از این بی ناموسی نوظهور مشاهده شد و شرب الی و فاش فاحش بنظر ما رسید آیا فرق فاسد نهی



(۱۱۲) مضطرب شدن مردم از علامت بکر در احوال
 پیدا میشود.....
 (۱۱۳) جمیع مردم بیکدیگر مانند جوانان در
 سر راهها برای اوطا کردن و زنا نمودن.....
 (۱۱۴) صرف کردن مال بسیار در باطل و مفسدات
 نمودن از صرف انداختن در طاعت الهی.....
 (۱۱۵) در بنحسبیدن پدر و مادر و اهل خانه
 کردن با آنها و بدترین خلق بودن آنها نزد او
 (۱۱۶) شاد شدن اولاد از افزاینده بکران
 بید کردن مادر آنها.....
 (۱۱۷) دست یافتن و تسلط شدن زنان بر هر
 امریکه خواهر نفس ایشان در لالت.....
 (۱۱۸) تهمت و افترا بین اولاد پیدان.....
 (۱۱۹) نفی کردن اولاد پید و مادر.....
 (۱۲۰) شاد شدن اولاد پدر و مادر
 اند و هنگام شدن مردم از آنکه خود
 بر آنها بگذرد و ایشان در آن روز گناه بزرگ
 نموده باشند مانند اوطا و کفر دادن در تراش
 و پیمان و میثاق حرام و خوردن شراب و
 سایر مسکرات و حساب نکردن آنرا از ایام
 غیر خود.....
 (۱۲۱) جمع کردن اهل تسلط غلات را از بکر
 فروختن آنها بقبیل عل و کوفات.....
 (۱۲۲) دادن عس و مال امام علیه السلام را
 با اهل نیکو کرد و قناری نمودن و شراب خوردن
 آنها با آن موال.....
 (۱۲۳) مداوا نمودن برضهارا بشراب مقدس
 نمودن و صاف آنرا از برای آنها.....
 (۱۲۴) متفق شدن مردم در ترک امر معصیه
 و نهی و منکر و ترک بدین فاری.....

(۱۲۵) با قهر و غلبه شدن منافقان.....
 (۱۲۶) با نصرت و دوست شدن منافقان
 (۱۲۷) عقوبت و پذیرفته شدن بخان منافقان
 (۱۲۸) سکوت کردن اهل حق از کلام حق بوی
 گوش ندادن بخنان ایشان.....
 (۱۲۹) با ابرو شدن کفن ازان و اما عیبت
 (۱۳۰) اجتماع کردن خلق خدا نشین در حلال
 از برای غیبت کردن مردم و تعریف و وصف
 نمودن از شراب و مسکرات.....
 (۱۳۱) امام جماعت کردن از برای مردم
 کسانیکه بواسطه خوردن شراب در حال سکر
 و مستی و مسی و اعیبت نمیدانند.....
 (۱۳۲) اکرام کردن مردم بکینکه مست شده
 بواسطه نشسته و معذور داشتن و زادن
 این معصیت بزرگ.....
 (۱۳۳) خوردن موال پنهان با ادعای شرع
 و صلاحیت نزد مردم.....
 (۱۳۴) حکم کردن قاضی بر خلاف امر الهی
 (۱۳۵) پیروی کردن حکام شرع از راه طمع
 از خاشاک.....
 (۱۳۶) سپردن حکام شرع میراث صغیر را
 بقتیم فاسق و جف و میل نمودن انفسا و در
 آن میراث.....
 (۱۳۷) امر کردن و قاطع و با لای منبرها را
 بتقوی و پرهیزگاری با آنکه خودشان با نهم
 میکنند عمل نمیکند.....
 (۱۳۸) استخفاف کردن مردم ببلوغات نماز
 و سبک انگاشتن مجاز آوردن نماز و اقلید
 (۱۳۹) دادن وجوه بر بچه و بوسه کردن
 و ناسط و فصلد قرب نداشتن و زادن آنها

(۱۴۰) دادن وجوه بر بچه و بوسه در صورت
 مطالبه آنها با ابرام و اصلد.....
 (۱۴۱) منحصر شدن محبت مردم با سرخودان
 بدفع شهوت و غریبه با ناک نداشتن آنها
 حلال و حرام خود را و بی پروائی ایشان
 در دفع شهوت چه مجرام باشد و چه حلال
 (۱۴۲) روا آوردن دنیا بمردم.....
 (۱۴۳) مندوس و کینه شدن علامتهای حق
بنا بخل و اعتلای حرام و تقصیر
 نمودن بالله و تسبیح من فتنه آخر الزمان
 و ما ابرو تقوی انا النفس لا قاتله بالتوا
 الا ما رحم ربی.....
 ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا و رحمتنا
 لنكونن من الخاسرين.....
 خدا یا ما اهل مملکت ایران ظلم و ستم کردیم
 بر نفس خود بذات قدس اگر از تقصیرات ما
 در نگذری و ما را هدایت کنی بهمت خود
 این اوقات فتنه آخر الزمان بود بروزگار
 اهل قران و شیعیان از دوزخ سابق بدتر
 میشود و در آخرت هم معدن بوده هلاک
 خواهیم شد خسر الدنیا و الاخره ذلك
 هو الخسران المبين
 و استلام علی من اشبع الهدی و اجنب الهم
موعظه علی السیاطره
 خرمات خود را از دنیا بکشیم دیانت باقی این کیم
 بر لوح معلقه اند کینه
 ما کشف فیما یروى کبر الید
 از ما بقی که هر نفس کنیم
 ما از منقص خطا و نیک
 شاید که مشاطه بچشم کنیم
 با این عمل و دنیا کاهل

بسمه تبارک و تعالی

سواد تکراف حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آية الله فی العالمین آقا ی آقا سید محمد کاظم طباطبائی
دامت برکاته العالیه که بجناب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین کشف العلما و المجتهدین آقا ی آخوند آملی دام
ظله العالی مخابر و منبر نموده اند

از نجف اشرف نمره (۶۷۰)

جناب ثقه الاسلام آملی دامت برکاته از تجزی مستدعین و اشاعه کفریات محدین که نتیجه حریت موهبت
قرار سلوب تکراف مزید تشویش بعون الله متمشیات ایشان شدنی نیست لیسبت دفع کفریات و حفظ عقیده
و احیاء قوانین محکمه شرعیه و شریعت ابدیه محمدیه اہم فہم انقض ربانین علما باطلاحہ جہات موجبات
صلاح و صیانت دین و دمار مسلمین منظور اخلاص داد و بدل مجبوس شود

محمد کاظم طباطبائی بیت و سیم جاوی الاولی

برادران دینی ما در این تکرافهای نجف اشرف کپی در پی بطبع رسانید و منتشر ساختیم تا تل و تنکر
بکنند و در سخنان این بزرگان اسلام که محل تقلید کا فانا مہستند دقت و تعمق بنمایند تا و مطلب مهم
بر ہم معلوم و مشکوف شود

یکی آنکه از سلسله حبیبہ رؤسای ملت آمدی منکر مجسمہ شورای قلی اسلامی نیست و دیگر آنکه تمام آسمان

حج اسلام در جلو کسیری مرتدین و دشمنان دین است چه پیروان میرزا علی محمد تشیرازی معروف

برای سب و چه جماعت هواپرست طبعی مذہب فرنگی مآب چرا که با محسن و البیان می بینیم و می بینید که در نظر

از جن موعود که آن بزرگوار منور بود غنچه بر خاک ایران تاخته هفت هزار کس از هموطنان ما را طعمه آتش ساخته است

بی ادب تنهانه خود را داشت بر
بلکه آتش بر همه آفاق زد

باری برادران دینی ما در این تگراف تأمل و تفکر میکنند و ببینند که حضرات حج اسلام مجاورین نجف اشرف مجلسی را
که خواسته اند چه صفت و کدام قید و شرط است حضرات حج اسلام مهاجرین زاویه مقدسه هم همان مجلس را میخواهند
و مخالف چنان مجلس را مخالف شرع و مجادل با صاحب شریعت میدانند و البته تمام اهل اسلام هم مجلسی میخواهند که
بهین اوصاف و قیود و شرایط آراسته بوده باشد پس صاحبان این تگراف شریف و مهاجرین زاویه مقدسه مسلمانان
حاکم محروم پس تانابریک قول و یک عقیده و یک رای هستند و مخالف و معاند ایشان تبعه باب و فرق فرنگی باشد
که بگویند ما مجلسی میخواهیم که مثل پارلمان المان بوده باشد و نظری تقویت اسلام و حفظ دمار پسلمین و امر معروف و
نهی از منکر و سایر اوصاف و ملاحظات که در این تگراف مأخوذ است نداشته باشد

پس مردم ایران اگر چه هنوز از آرا یکدیگر اطلاع کامل حاصل نکرده ایم ولی در نفس الامر سوای آن دوفه قه تمام شده
هستیم قطار ای گرگان و پیکان از ما جداست





مؤمنان را از انفس شده ای و با طاعت
به پیشرفت که خدا این کار را در دنیا
و آخرت بجا می آید و هر چه که در دنیا
باشد بخواند که به خدا می رسد



آسی خان اتنی سلام چک کے سلام کیا شرم و طش و بھڑکائی
جانتا کہ کون کون شرم و طش جاری شد فلان کی کے گل
مواخا و حجاب ایچ او اچھا و در سال و در کت بوم



عمر اقصی را رسید به در کسرت طاعتی از دل نهی استیلا
شهر طاعتی که سر آمد از آن جزو حق است و چون با کسی



انامی کو کھانا لکھنا دیا۔ کچھ کھانے کے بعد وہاں سے نکل کر ایک اور گھر پہنچے۔



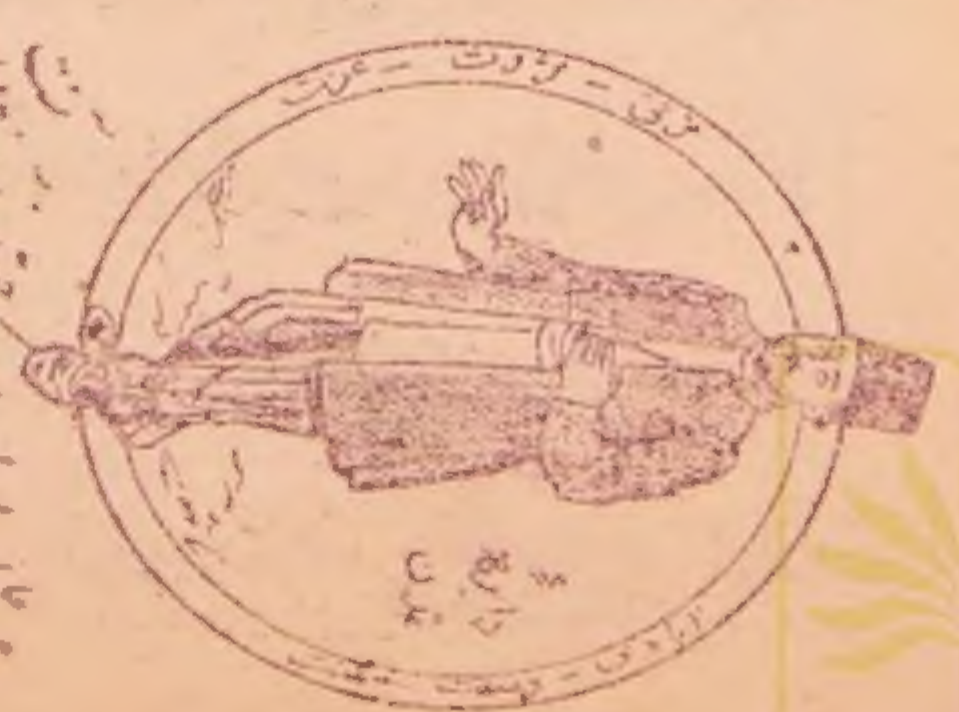
انکار و انکار این مرد را که در میان کائنات، شکر از او رسیده است



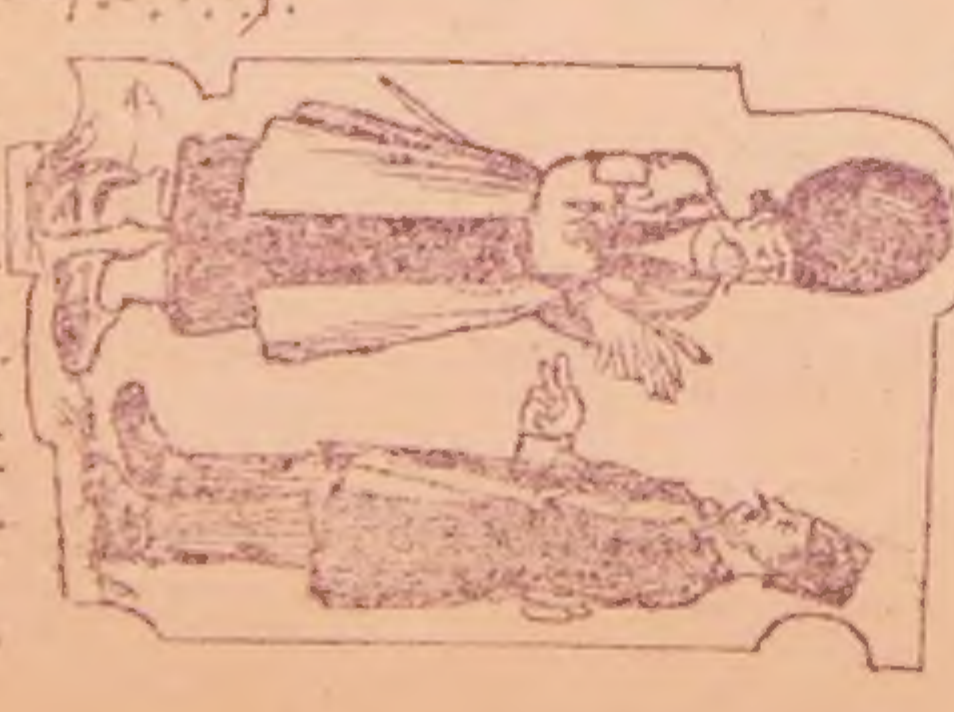
سلام علیکم انا اور مریم و سیدہ ابی طالب و حضرت خدیجہ



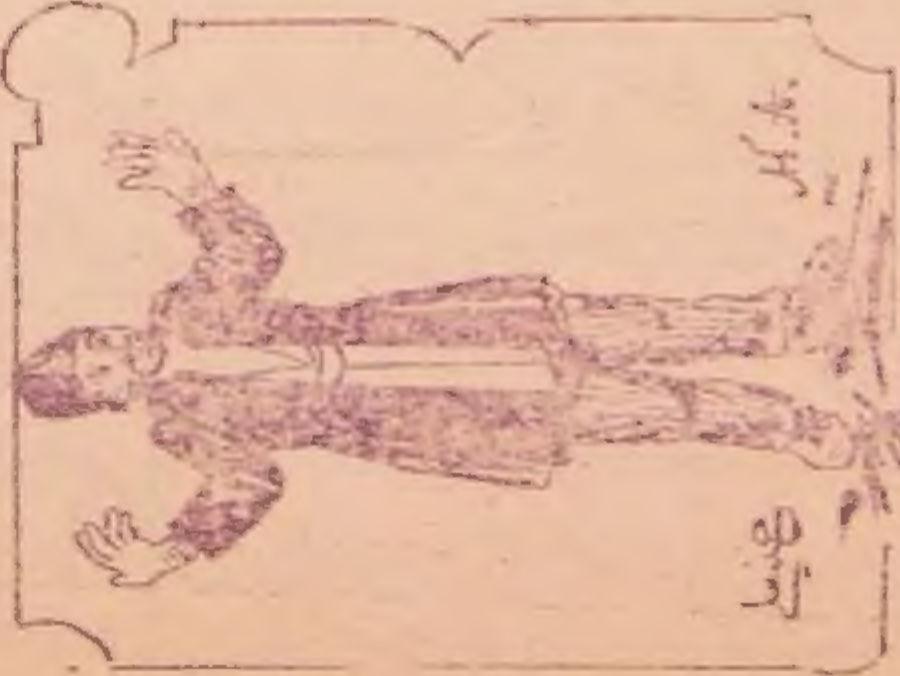
فصل اول در بیان سوره حمد و سوره الفاتحه



بیت درازی فقط دوام بر کرم می بینم تا بسم



سوره غافر ۱۰۰ تا ۱۰۱



حب بری که
سنان بد کسی که بخوابد
دانه که خاک را در خوض ریخته
سکس شرط را نخواهد



صورتی که آن چه در میان دیدن
که با شده هر که اصل این و
فدات است و بعد از آن که در آن
در این است که



دین که با خود با خود
کودان برین من از آن
نور و عسل که در آن
در آن است که



حضرت اهل کمال...
و در آن است که
در آن است که
در آن است که



تاریخیت در آن است که
در آن است که
در آن است که
در آن است که

بهمی چه! سرانجام که کمال دارد اهل ابرام دست می برد

(۵) در کتب دست می برد از دست جابرین خواهد داد

(۱) و کمال با خشی تو که که او بیداری تو را نمی داند به



(سیاسی)

علماء طریق نفاق و مخالفت و دانا باین راه تنویر و لغت و پیشوایان سپیل
حیل و شیطنت رای می دهند که برای شرف و مخالفت یا مجلس
شورای ملی و ترقی مملکت نفاق و از دیاد انباء نوع مخالفین و بدست آوردن
استبداد چذراه را باید پیش نهاد سازند

اول انقادی شبیه بمقام المناس که مجلس مجری قانون فرستاده خواهد بود
و در ایران قانون جاری خواهد شد دوم هر اقتضای که در شرواق می شود اربابی
نظمی و شرارت دست یازد و آدم کشتن و کی نان و کرانی گوشت بپزد
آدم زنهای فاحشه و برور امراض جنائی و روحانی از قیصل تب و توبه و
زکام و عطسه و در دس از تائیس مجلس شورای ملی است ولی بر کشتن بول
و ترک بترجیح و تشکیل بانک ملی و تعدیل مالیات و تربت و تطیم وزارت
خانها که از اقدامات مجلس شورای ملی است باید از خنثیت صاحبان
یتول که خودشان و اگر از نموده و بین اتفاقات و تدابیر مستعدین
کرد سوم باید جماعتی از زنهای سلیطه را محرک شد که به کان بخاری
رفته و فریاد کنند و تفرین با بایان و بی احترامی بمجلس مقدس نمایند که اینها
باجب کی نان شده اند چهارم هر بخو که شرف داشته باشند بین و کلامی مجلس
شکواب نموده که کم کم باعث ریختن شده بخاصه پر دارند تا از کارهای ملی
و اصلاح امور بازماند پنجم هر قسم که ممکن است خاطر مقدس پادشاه را
بسیار مجلس از رعیت آزرده و بسوی خود سطوف آرد ششم هرگاه
وزارتی باشد و آن تازه خواست از مجلس برای تدبیر برتری رای او را بر کرد
و با خود بدست نموده که سبب مانع از خیال سبتین باشد هفتم اگر ممکن باشد
با پیران حجاج اسلام را جلای انداخت که بخود شمول شوند تا بحال اینکه نظارت
با بحال منافقین نمایند داشته باشند ششم هر روز از گوشه و کنار اسباب
قتل و قتل و عارت و مرج و مرج را فراهم آورد و همه را مستعد مجلس
نمود نهم اگر از تمام این ترتیبات کاری ساخته نشد باید خود را بخواه مجلس
قلم داد و گفت بمجلس بنوا هم ندان مجلسی که دارای شخص فاسد العقیده باشد
هم اگر این مجلس کاری ساخته نشد و ممکن نبود که چشم مردم را بت یکبار باید از شهر
خارج شد و در کجی نشسته و آیه نامه و نامه را به چون از خانه و دست پادشاه

(منصب)

جناب فدان ... که سالها است در میان مردم بر یکا کاری خود را شهنوده
چون برای مخالفت یا مجلس شورا حیل و کار برده و تمام هم خود را صرف آن نموده
مخونس نموده از طرف ملت منصب سائق الدوله منصوب شده و تمام اقوام
و قارب او این مخالفت سر بزمیان سر و برده و روی نگاه کردن بی کرده
امالی ایران را ندارند

(بدنامی و نیک نامی)

اسم پست اند کرده و چهار صد و دوازده هزار نفر از ملی ایران بواسطه حسن
قانون عدالت و اجرای حکام محمدی و ترویج مذنب جعفری و تائیس مجلس
شورای ملی و تشکیل بانک ملی و از دیاد ثروت و ثروت و ثروت و ثروت و ثروت
اسلام و رفیع آه و ناله ضغنا از شخص پادشاه در کتب تواریخ بی حقوقی و سرکشی
و اگر خواهد شد ملی ... هزار نفر سبتد مخالف و منافق که بر بسم زنده اسل
شرطیت و عدالت و مروج نفاق و شیطنت هستند در عالم بکشاسی و دود و دود
دخوشنامی باقی خواهد ماند

(احبار خارجیه)

از مجلس دومی روس مجلس مقدس شورای ایران با مکراف خیال
چنین منابر به نمایند که به منظور که پادشاه جو اختیار ایران در صدد اجرای
توانین شرطیت است و مخالفین نمیکند از نامهم همان قسم در دشما
کر قاریم خداوند دل این دو پادشاه را از حقیقت کار آگاه فرماید

(اتفاقات)

یکی از مشروطه طلبان در خیابان خیال آباد یکی از مخالفین رسیده گفت
شنیده ام که شما ضد مجلس هستید جوابی ادا من خود بخواه مجلس ما ششم
ولی بگویم این مجلس نیست !!! باید و کلاهی از پشت پرده شما

(نوع پرستی)

شاطران و ای ... از خدمت گذاری نسبت بمجلس های خود کار را بیانی
رسانیده که نان هفت شاهی را سابقا شش سیری بخت حال در
دکان بخاری صغنی بدوازده سیر رسانیده تا صاحب دکان و شکست
شده و دیگر روی دست نانوائی قدیم نموده (کمالورضین)

بسمه تبارک و تعالی

سواد تکراف حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آية الله فی العالمین آقا ی آقا سید محمد کاظم طباطبائی
دامت برکاته العالیه که بجناب مستطاب ثقه الاسلام و المسلمین کشف العلما و المجتهدین آقا ی آخوند آملی دام
طهه العالی مخابر و منبر نموده اند

از نجف اشرف نمره (۶۷۰)

جناب ثقه الاسلام آملی دامت برکاته از تجزی مستدعین و اشاعه کفریات محدین که نتیجه حریت موهبت
قرار سلوب تکراف مزید تشویش بعون الله متمشیات ایشان شدنی نیست لیسبه دفع کفریات و حفظ عقیده
و احیاء قوانین محکمه شرعیه و شریعت ابدیه محمدیه اہم فہم انقض ربانین علما باطلاحہ جہات موجبات
صلاح و صیانت دین و دینار مسلمین منظور اظلاع داد و بدل مجبوس شود

محمد کاظم طباطبائی بیت و سیم جادی الاولی

برادران دینی ما در این تکرافهای نجف اشرف کپی در پی بطبع رسانیده و منتشر ساخته ایم تا تل و تنکر
بکنند و در سخنان این بزرگان اسلام که محل تقلید کا فانا مہستند دقت و تعمق بنمایند تا و مطلب مهم
برہم معلوم و مشکوف بشود

یکی آنکہ از سلسله حبیبہ رؤسائے ملت آمدی منکر مجسمہ شورای قلی اسلامی نیست و دیگر آنکہ تمام اہتمام

حجہ الاسلام در جلو کسیری مرتدین و دشمنان دین است چه پیروان میرزا علی محمد شیرازی معروف

بیا سبہ چه جماعت ہوا پرست طبعی مذہب فرنگی مآب چرا کہ با محسن و البیان می بینم و می بینید کہ در نظر

که بر کردن کارهای بد که با غواء شیطان
و شوبلا نفس آنها را بجا میآورند
و بنا ظلمنا انفسنا و انکم تغفرون
من الخاسرین

مشار مؤبر کنهها نیکو است
آخر الزمان نزدیک بظهور قائم
و قراج پیدا میکند و منع زانها
بصد چهل چنان

- (۱) مضمحل شدن خود و فتن اهل حق از دنیا
- (۲) فرار کردن از جور و ستم بلاد و شهرها را
- (۳) عمل نکردن با احکام قرآن
- (۴) توجه نکردن به امر حق و نیکوئی
- (۵) منقلب گردیدن حق
- (۶) بلند گردیدن نمودن اهل باطل بر اهل حق
- (۷) آشکار شدن شر
- (۸) ظاهر شدن فسق
- (۹) اکفای کردن مردان و زنان بزمان
- در دفع شهوت
- (۱۰) سکوت کردن مؤمنان از بیان دامن زدن
- الهی بواسطه قبول نکردن قولش
- (۱۱) دروغ گفتن اهل فسق
- (۱۲) حقیقت گردیدن کوی بزرگ را
- (۱۳) قطع شدن از حرام
- (۱۴) محزون کردن فاسق و فاجر بر مدح نمودن
- مردم آنها را بفسق و فجور
- (۱۵) لواط دادن پسران و مردان
- (۱۶) جفت شدن زنان با یکدیگر برای محبت
- (۱۷) بسیار شدن مدح و تشاد و بیخ خلق
- (۱۸) صرف کردن اموال در غیر طاعت الهی

- (۱) تعجب کردن مردم از کارهای خیر و سبک
- در اموال خود از مؤمنان بفرموده
- (۲) اذیت کردن همسایه به سبک
- (۳) شاد و خندان شدن بکار از مشاهده
- فساد در روز مین
- (۴) خوردن شراب و سایر مسکرات و علا
- و آشکار
- (۵) ذلیل شدن امر شده بجهت
- (۶) بافتن و پندیدن شدن بکار مینا
- مردم در میان با یکدیگر که خدا آنها را در
- (۷) حقیر کردن ائمه اثنی عشر علیهم السلام
- و حقیر کردن دوستان آنها
- (۸) منقطع شدن از خیر و باز شدن از شر
- (۹) نرفتن اهل استطاعت بجهت بیگانه
- مرد بکران آنها را بترس زاری
- (۱۰) عمل نکردن مردم با آنچه خود بد بکران میگو
- از مضایح و از بیجا آوردن اعمال خیر و از کرد
- کارهای بد
- (۱۱) غذای قریبه خوردن از برای عمل لواط
- (۱۲) غذاها و دواها خوردن و استعمال نمودن
- زنان بجهت فساد شدن از برای محبت کردن با یکدیگر
- (۱۳) گداز کردن پسران را بر مینا و لواط
- (۱۴) گداز نمودن زنان را بر مینا و لواط
- (۱۵) مجلس فراهم کردن زنان از برای امثال
- خود از زنان مانند مردان
- (۱۶) مایل شدن جماعتی کور از بعضی طوائف
- بدادن لواط بواسطه داشتن ناخوشی بانه
- (۱۷) زلف کندن مردان و بختنا کردن
- از و شانه زدن بر بدن مانند زنان شوهر را
- (۱۸) مال دادن بعضی از طوائف بعضی دیگر

- بواسطه داشتن ناخوشی بانه نا ایشا را
- لواط نمایند
- (۱۹) شبور و بهر نمایند لواط با پسران
- حسد کردن زنان بر آنها در ترک نمودن
- بایشان
- (۲۰) عزیز تر شدن صاحب مال از صاحب
- خود مردم
- (۲۱) آشکار شدن خوردن ربا
- (۲۲) فخر کردن زنان از اینر بدادن زنا
- (۲۳) رشوه دادن زنان بشوهران از برای
- بایشان در خصوص عمل صاحب و در خانه
- زنا دادن بپسران
- (۲۴) اغناس و کمال کردن خانوادهای
- زنان را برفیق و عمل زنا
- (۲۵) محزون و حقیر و ذلیل شدن مؤمن
- (۲۶) ظاهر شدن بدعتها و عمل زنا در میان
- (۲۷) اعتقاد نمودن مردم بشهادت شاهد در
- (۲۸) حلال دانستن چیزهای حرام
- (۲۹) حرام دانستن چیزهای حلال
- (۳۰) استنباط کردن احکام از برای و خواه
- (۳۱) تعطیل نمودن قرآن در احکامات
- (۳۲) اظهار نکشیدن اهل فسق از مذمت
- برای بیان با اعمال قبیح و بیجا آوردن
- در روز روشن پیش از آمدن شب
- (۳۳) قدرت نداشتن مؤمن بر ارتکاب کردن
- اعمال مردم مکرر در دل خود
- (۳۴) انفاق کردن مال بسیار در معصیت
- (۳۵) مقرب کردن حکام اهل کفر را در نزد
- و دور نمودن از خود اهل خیر را
- (۳۶) رشو کردن حکام در حکم کردن و حکم

علامه ظهور فاضل محمد
علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا
محمد وآله الطاهرين الطيبين الطاهرين
والسلامة على اصحابهم ورحماتهم ومغائيرهم
والان الى يوم الدين

بعد چنان گوید این خبر فایه سبط المرحوم
حاج میرزا میرزا علی بن محمد جعفر الطهرانی که حد
شمری از امام ششم صادق قال علیه السلام
در خصوص علامه ظهور فاضل محمد عجل الله
تعالی فرجه از شیوع پیدا کرد و بدینها و
شهادت اخیر الزمان لازم دانستم که امور
تجدید شد و در این اوقات که هر چه مرجع شد
تمام بلاد و آبادیهای ایران بهر سید
خصار در این مدتی مرقوم دارم از برای آنکه
امروز از مشایخ این ملک ما را بدانند
که صد و رفع و دفع آنها برانند و انچه پیش
نموده است در باب می ام از شیوع فاضل جلد
پنجم از بیست و پنج جلد کتاب بخارا انوار طبع
علیه السلام در صفحه ۱۶۸ و صفحه ۱۶۹ از نشر
که در مشتمل بر طبع و سید و مشتمل بر ایشان
طبع بر ۱۴۰۰ فقره از بدیع و فغان و معانی
و همچنانکه مختصر است بریدن بیشتره المانی که
شماره در فاشه باشد به اصطلاح شایسته
همچنین مختصر است بخواس خدایند متان و
و تمام زمان علیه رفع و دفع این بدی
و این باب که عمل نماید اهل مملکت ایران باین

در این کتاب مرقوم شده اول کتاب کمال
محمد علیه السلام دوم کتاب حد و نفوای ال
محمد علیه السلام سوم کتاب طاعت ال محمد
علیه السلام کتاب اول و کتاب دوم منقسم
بطبع و سید و با الفل در حجر جناب فاضل
اقامه حاجی محمد ناصر کتاب فرس واقع در کباب
تیمچه کافر و شان از سید حاجب الدوله
میان از برای سید و زها موجود است هر چه
با جلد قیمت پنجاه و دو در کباب فرس
خوب و سیدمانی دارای یک نسخه از آن
کتاب بوده باشد مشتمل است بر بیست و
هفت و دو صفحه ۲۳۰ صفحه
است و در مندرجه در آن و کتاب از فهرست
که در او آخر کتاب قرار داده شده بدین
بسیار نافع و خوب میباشد از برای کتاب
برای جماعت شیعه لکن در دست تصور که
شاید و باید از چاپ بیرون نیامد ان شاء
اگر عموم مردم طالب و خواهان آن شدند
کمال اهتمام بعد از این خواهد شد
در حسن خط و بنکوی کاغذ و پاکیزگی طبع
کتاب کمال محمد علیه السلام از ایام
که راجع است بتمام اقرای جماعت شیعه کائنات
من کان و کتاب حد و نفوای ال محمد علیه
متمم بوده بر امور که راجع است بتمام اقرای
شیعه بر کسب عموم و بر تکالیف سلطان اسلام
کاشان من کان در کل عصر و از آن و بر تکالیف
مستلزم و علماء و مجتهدین و بر امور راجعه
بر این اطفال و لکن تکالیف سلطان و حاکم
از تکالیف مستلزم و علماء و مجتهدین و امور
و این جهت بر این اطفال به لحاظ اخلاص از آن

کتاب الفاشد ان شاء الله در نسخه که بعد از این
بطبع میرسد آنها را مسمی نمائیم
و کتاب طاعت ال محمد علیه السلام مختصر است
و مشتمل میباشد بر هفت و نیم و عدد صفحات
آن (۱۱۸) صفحه است و بخط خوش نوشته شده
و مجلد و طایفه بگویند که بدین و لکن هنوز بطبع
نرسیده ان شاء الله بعد از این بطبع رسیده
خواهد شد و ان شاء الله الغالب بر
ایالات اهل مملکت ایران از هر باب چه زیاده
امر معاش و چه زیاده غیر معاش و چه زیاده
ضعف ملک و چه زیاده ضعف دولت و چه زیاده
باب و سوا آنها که از برای محرمین اتفاق افتاد
همه از جهت شیوع این فواحش و منکرات است
در بین این اعیان و برهنه و بندگان آنها لغو
و در سوا آن در آخرت باید باشد بر عکس ماضی
تمام این امور بر شوند بواسطه دارا شدن
ایمان در دست صحیح و اقدام نمودن بطاعت
فرمانده در خصوص این اشیاء مملکت ایران
از هر باب پیش خود این سخن میگویم
بلکه از کردگار میگویم فقیر قال الله
تبارک و تعالی فی الایة الاربعین من سور الزور
فهم المفساد فی البیوت لیسوا کتباً لیسوا
لینتیقهم بعض الذی عملوا العلم بهم یخون
(ترجمه)
خدا و خدای در تمام اطراف ایران از هر باب
ظهور پیدا کرده بواسطه فواحش و منکرات
کارهای بد که شب و روز اهل مملکت ایران
ایشان بانها کرده و میکنند و این فساد و خرابی
بجهت آنست که بچشاند خداوند قهار باهالی
مملکت ایران جزای بعضی اعمال بد ایشان را

زین مود که آن بزرگوارند مود غنچه بر خاک ایران تاخته همت از کس از موطنان ما را طعمه آتش ساخته است

بی ادب تنه خود را داشت بر
بلکه آتش بر همه آفاق زد

باری برادران دینی ما در این تگراف تأمل و تفکر بکنند و ببینند که حضرات حج اسلام مجاورین نجف اشرف مجلسی را
که خواسته اند بی صفت و کلام قید و شرط است حضرات حج اسلام مهاجرین زاویه مقدسه هم همان مجلس را میخواهند
و مخالف چنان مجلس را مخالف شرع و مجادل با صاحب شریعت میدانند و البته تمام اهل اسلام هم مجلسی میخواهند
بهین اوصاف و قیود و شرایط آراسته بوده باشد پس صاحبان این تگراف شریف و مهاجرین زاویه مقدسه مسلمانان
ممالک محروسه تا آن بر یک قول و یک عقیده و یک رای هستند و مخالف و معاند ایشان تبعاً باب و فرق فرنگی است
که بگویند ما مجلسی میخواهیم که مثل پارلمان المان بوده باشد و نظری بقویت اسلام و حفظ دین و مسلمین و امر معروف و
نهی از منکر و سایر اوصاف و ملاحظاتی که در این تگراف ما خود است نداشته باشد

پس ما ایران اگر چه هنوز از آرا یکدگر اطلاع کامل حاصل نکرده ایم ولی در نفس الامر سوای آن دوفسده تا باشد
هستیم قطار ای گران و پیکان از ما جداست

اتفاق را برهم زدند و سپست فرقه انداخته عادت بر میستند حیدری نفس را بایران عودت دادند قسمتی از علما
 در شهر با انواع چاپ و سبزه خوش آمدگویند و منقشات دیگر قشقر کرده در فراجهای مبارکشان برنجو که میخواهند
 نشر میکنند گفتند که ملک فی اطلاق و ذوی الحقوق فی حقوقهم و اگر اعیاناً در موضوعی احساس نامساعدی میکنند
 از آن رفته در سخن مجتهد محترم تجدید بشود و از حسد بهاری فقه سیاسی غن میرود و ترجمه بی ثمران بشمارد و بگوید
 قسمتی دیگر از علماء را در زاویه مقتدای حضرت عبدالعظیم علیه السلام به فیرت و وطن روزها مجامعی میشوند و برای
 که از خاتمه نشود و یکی و تنی دستی بکامی بنالی و بجای ساش میگردانند و داد و لایزال برقرارند
 و قریب به می افشایند و خود در سایه این رقابت با فراغت خاطر نشسته نقشه میکشد و نقشها میریزند روزی نیست که
 گریه نهضت کنند و مرکز ما گسری بگیرند و با طایفه بازی بچینند از اینجا است که مجلس با مسلمانان را خالص
 میشوند و میدانند بنی ای مجلس فی ما بر این وضع حالست که کارخانه خیال بافی با بسته شد (که
 بانی سال دیگر لقب دین حیدر شوی)

و اثر شرایط و اوضاع مجلس که در انکراف مطور منظور شده بود و آن است که مجلس باید مجامع را بر معزوف
 بنی از منکر بود و بایستد علماء را برین زاویه مقتدایه هم بنیور مجلس میخواهند نه آنکه هیچ مجلس نخواهند لغت خود برکنار
 بگویند این نسبت را ایشان میدانند و بر روم مقصد مهاجرین را مشتبه میکنند ایستادگانی که حقیقت بود و در
 قابل و بختابه مجید مقتدای و بدین جنیف مقتدایه سؤال میکنیم و میگوئیم این مجلسی که میبینید در تحت سینه
 بنیاد از بیان و آزادی طلبان واقع شده است و تجاری احوال و اوضاع آن ر مستقیماً بر ساقی پارسی
 از وادار میکنند آیا مجلس امر معزوف و نهی از منکر است یا مجلس بنی از معزوف و اگر منکر است آیا بواسطه
 دادن مزد کیان محرم کله آزادی را در این ملک تجریات و تنکات مردم تا چه انداز دهند و دهست و قانون فی
 و فوق و مجور تا کجا شایع شده آیا از نهال با پس و از فی پوشند و بگویند و بازار را نمی فتنند آیا در غرابات
 شب جشن چه راز این بی ناموسی نو ظهور مشاهد شد و شرب الی و فاش فاش بنظر ما رسید آیا فرق فاسد بنف

(بقیه شرح متعلق بتکراف نجاشرت)

و از اوصاف و شرایط مجلسی که حج الاسلام و المسلمین آقایان نجاشرت در این تکراف تعیین فرموده اند آن است که باید رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت مظلوف کند آقایان عظام مهاجرین را و به مقتضای هم نشینایی که دارند بهین بدون هیچ اختلاف در هیچیک از این شرایط و اوصاف ولی میفرمایند یا اهل الاسلام یا اهل نوره البسرة یا اصحاب بینه الشجرة به پسیند در این مملکت در طرف این بحال با مخصوص کار ظلم از بیجا کشیده است چه قدر خونها با حق ریخته شده و مالهای مردم با راج رفته و رجعت و کاسب و تاجر از کار افتاده و فقرا و ضعفا و مساکین تلف شده اطفال یتیم و زنهای ثوبه و خانواده های سرپرست مانده است روزی نیست که بتوسط تکراف یا اداره پست یک بغل پاکت های تعلقات از اطراف و کفاف نرسد همه محرق اقلوب همه شیر الاحزان همه طوفان البکار در هر شهر و هر روستا جماعتی با سپیم انجمن محلی هستند و همه اسپستان شده در غایت قنات و استبداد مشغول خود کامی و بیداد هستند همان رفقای را که سابقا حکام و ظلام با رعایای سوخته فرموده ولایات میکردند آحال آحاد این انجمنها و بستگان و پیوستگان آنها میکنند فی الحقیقه یک استبداد را صد هزار استبداد ساخته اند و با صد هزار حاکم ظالم بر این مملکت و رعیت جو کار جو کش آن تاخته اند اگر رفقای آن طبقات از رعایا که همیشه زیر پا میرفتند و اسیر دست غارتگران و چا و بچیان بودند بالاضعاف افزوده است آبی دای که به نشد بر شد

بار خدا یا این چه سال پر طلال بود که بر پهلانهای ایران گذشت و صفحات تاریخ این مملکت را خون آلود ساخت و پسینهای انانی را بر اثر شعله و دود کرد و ظلمهای عمده ضحاک و کشمارهای چکنر شفاک را بیا د آورد آبی مجلس مقدس که بچندین آرزو و هوس تور آقایان و پیشوایان با تاسیس فرمودند و بتوجب حسن ظنی که باین صنوع شریف خود داشتند بپایردان مذهب جعفری چه نویدهای بزرگ و امید واهی کلان دادند ولی لایحه های روزگار چند ان امان ندادند که موسسین عظام شب را سحر کنند با وسایل با دمی و معنوی ریخته اند

که بر کردن کارهای بد که با غوا و شیطا
و شوبلا و فتنه آنها را بجا میآورند
و بنا ظلمنا انفسنا و ان کفر تعفیر لنا لکن
من الخاسرین

منها و سرکنها نیکو است و غیر
آخر الزمان نزدیک ظهور قائم
و خارج پیدا میکند و منع زانها
بصد چهل چاه عنوان

- (۱) مضمحل شدن خود و رفتن اهل حق از دنیا
- (۲) فرار کردن از جور و ستم بلاد و شهرها را
- (۳) عمل نکردن با احکام قرآن
- (۴) توجه نکردن و اهل نمودن قرآن را بهوای نفس
- (۵) متقلب گردیدن درین حق
- (۶) بلندگو غلبه نمودن اهل باطل بر اهل حق
- (۷) آشکار شدن شر
- (۸) ظاهر شدن فسق
- (۹) اکثرا کردن مردان بمرغان و زنان بزنان
- (۱۰) دفع شهوت
- (۱۱) سکوت کردن مؤمنان از بیان دین و دنیا
- (۱۲) اهل بواسطه قبول نکردن قولش
- (۱۳) دروغ گفتن اهل فسق
- (۱۴) حقیر شمردن کوچک بزرگ را
- (۱۵) قطع شدن از حام
- (۱۶) محزون کردن فاسق و فاجر بر مدح نمودن
- (۱۷) مردم آنها را بغی و فجور
- (۱۸) لواط دادن پسران و مردان
- (۱۹) جفت شدن زنان با یکدیگر برای محبت
- (۲۰) بسیار شدن مدح و تشاد و بیخ خلق
- (۲۱) صرف کردن اموال در غیر طاعت الهی

- (۱۹) تعجب کردن مردم از کارهای خیر و سبیک
- (۲۰) دروای خدا از مؤمن بظاهر و پنهان
- (۲۱) ازین کردن همسایه بهسایه
- (۲۲) شاد و خندان شدن کفار از مشاهده
- (۲۳) فساد در روز مین
- (۲۴) خوردن شراب و سایر مسکرات و اعتلا
- (۲۵) و آشکار
- (۲۶) ذلیل شدن امرگنده و جرم
- (۲۷) باقوت و پندیده شدن فتنه مینا
- (۲۸) مردم در ایشان با پیغمبرها و خدا آنها را در
- (۲۹) حقیر کردن ائمه اثنی عشر علیهم السلام
- (۳۰) و حقیر کردن دوستان آنها
- (۳۱) منقطع شدن از خویشان شدن از شر
- (۳۲) نرفتن اهل استطاعت حج بکعبه
- (۳۳) مرد بکران آنها را بترس زيارت
- (۳۴) عمل نکردن مردم با آنچه خود بد بکران میگو
- (۳۵) از مضایح و از بجا آوردن اعمال خیر و نکردن
- (۳۶) کارهای بد
- (۳۷) غذای قریبه خوردن از برای عمل لواط
- (۳۸) غذاها و دواها خوردن و استعمال نمودن
- (۳۹) زنان بجهت فرار شدن از برای حقیر کردن بیکدیگر
- (۴۰) گدازان کردن پسران را بر مثل از دادن لواط
- (۴۱) گدازان نمودن زنان را بر مثل از دادن
- (۴۲) مجلس فراهم کردن زنان از برای امثال
- (۴۳) خود از زنان مانند مردان
- (۴۴) مایل شدن جماعت کوفه از بعضی طوائف
- (۴۵) بدادن لواط بواسطه داشتن ناخوشی ابنه
- (۴۶) زلف کندن مردان و مجامعتا کردن
- (۴۷) و نشانه زدن بر زن مانند زنان شوهر را
- (۴۸) مال دادن بعضی از طوائف بعضی دیگر

- (۴۹) بواسطه داشتن ناخوشی ابنه ناایشان با
- (۵۰) لواط نمائیدن
- (۵۱) شبور و همسایه شدن لواط با پسران
- (۵۲) حسد بردن زنان بر آنها در ترک نمودن
- (۵۳) باایشان
- (۵۴) عزیز تر شدن صاحب مال از صاحب
- (۵۵) نزد مردم
- (۵۶) آشکار شدن خوردن ربا
- (۵۷) فخر کردن زنان از اینر بلاد دنیا
- (۵۸) رشوه دادن زنان بشوهران از برای ازداد
- (۵۹) باایشان در خصوص عمل مساحفه و درخت
- (۶۰) زنا دادن بمرغان
- (۶۱) اغا و کل کردن زنان و اموالهای
- (۶۲) زنا ترا بر فساد و عمل زنا
- (۶۳) محزون و حقیر و ذلیل شدن مؤمن
- (۶۴) ظاهر شدن بدعتها و عمل زنا در میان
- (۶۵) اعتقاد نمودن مردم بشهادت شاهد دروغ
- (۶۶) حلال دانستن چیزهای حرام
- (۶۷) حرام دانستن چیزهای حلال
- (۶۸) استیسا کردن احکام دین و اموال و خواهر
- (۶۹) تعطیل نمودن قرآن در احکامات
- (۷۰) انظار نکشیدن اهل فسق از مدنی
- (۷۱) برای ایشان با اعمال قبیح و بجا آوردن آنها
- (۷۲) در روز روشن پیش از آمدن شب
- (۷۳) قدرت نداشتن مؤمن بر انکار کردن
- (۷۴) اعمال مردم مکرر در دل خود
- (۷۵) اتفاق کردن مال بسیار در معصیت
- (۷۶) مقرب کردن حکام اهل کفر را در نزد
- (۷۷) و دور نمودن از خود اهل خیر را
- (۷۸) رشو کردن حکام در حکم کردن و حکم

(۵۵) دادن مال بسیار از برای گرفتن جکوش
(۵۶) افکار کردن برای باغدارم زدن اختیارات
(۵۷) کشته شدن بعضی اشخاص بواسطه جبار
و نهفتن در بانها
(۵۸) حسد بردن بر دیگری که دنیا با و اقبال
و مال و جان خود را بذل کردند در سران
(۵۹) سرفش نمودن مردم را بر جماع باز و کهن
بار که جز ابله و اوطام پیردانی
(۶۰) گذران کردن مردم را از اجرت زنادادن
زنش بدیگران
(۶۱) مقهور کردن زنان شوهرهای خود را
بکارهایی که شوهران بانها را ضعیف نیستند
(۶۲) نفقه دادن زنان شوهران مانند
نقاه دادن شوهران بر زنان
(۶۳) اجبر دادن زن و کینه خود را از برای
گذران مردم مثل و تحسین خوردن و اشتهای
بواسطه دناست همت مددک نفس
(۶۴) بسیار شدن قسم بخدا از راه دروغ
(۶۵) اشکار شدن قمار بازی
(۶۶) فروختن شراب و سایر مسکرات را غلاشیرو
(۶۷) دادن زنان نامت خود را با اهل کفر
(۶۸) اشکار شدن طه و لعین
(۶۹) دلیل کردن اهل تسلط مردم را شریف و
(۷۰) کمال قهر بجهنم مانند بنده حکام کبک
بسی نمودن و دشنام دادن با اهل بیت پیغمبر صلی
الله علیه و آله فخر میکند
(۷۱) قبول شدن بدادالشرع شهادت محبت
عصمت و طهارت علمای اسلام
(۷۲) رغبت داشتن مردم بچیز خود پروردگار
(۷۳) گران شدن شنیدن صوت قرآن برخلاف

سهل کردن بشنیدن سخنان لغو و باطل برایشان
(۷۴) اکرام کردن همسایه همسایه اش محبت
ترس از زبان او
(۷۵) تعطیل کردن خود و پروردگار و عمل
نمودن در آنها بخواهشهای نفس
(۷۶) نفش کردن مسجد ها را بطلا و غیر طلا
(۷۷) بودن راستگو ترین مردم نزد ایشان
مدح گو و افترا زنند
(۷۸) اشکار شدن شر و نیر چینه
(۷۹) اشکار شدن ظلم و ستم
(۸۰) مبالغه نمودن غیبت و بدگویی از مردم و تر
دادن بعضی از مردم بعضی را بان
(۸۱) حج کردن و بچند رفتن از برای غیر خدا
(۸۲) دلیل نمودن اهل تسلط کافر و مؤمن
هر دو را بدو و فرست
(۸۳) غالب شدن املاک خراب بر املاک آباد
(۸۴) بودن زکندان و معتل از که دادن و تراشیدن
(۸۵) سهل و آسان دانستن خوردن و پروردگار حق
(۸۶) طلبیدن ریاست و جاهای غرض و پیروست
(۸۷) مشهور کردن شخص خود را بر زبان و آرزو
تر میگردم از او و سپردن کارها با و از
برای اغما و انهادن کارهای خود با و
(۸۸) حق و حقیقت دانستن از مرئوسان
(۸۹) زکوة ندادن بگنیاه از آنوقت که مال
اموال از گوی شده اند
(۹۰) بنفش کردن قبور مسلمانان از بر ساختن اینیه
(۹۱) بسیار شدن خرج و سرچ و بیهن مردم
(۹۲) عشق بازی نمودن مردم با امر و با
زنان در دنیا و مشهور بودن همان اشخاص در
صحنها و اعتنائی کردن آنها بکارهای خلق

(۹۳) جماع کردن با بیهاثم و حیوانات
(۹۴) در بدن حیوانات بچیز بعضی دیگر را
(۹۵) گذاردن نمازها را بالباس نجس و
عصبی
(۹۶) شاورن بجهنم سپردن در قلوب و کپه
نکردن از خوف خدا
(۹۷) سخت شدن خواندن قرآن بر مردمان
(۹۸) رغبت بجهنم سپاریدن خوردن گوشت حیوان
غیر مذکی یعنی ذبیحه کفار
(۹۹) نماز بجا آوردن از برای خدا بلکه از جهت
ریاء و دیدن مردم
(۱۰۰) یاد گرفتن اهل علم احکام شرعی و نه
برای بدین بلکه برای طلب دنیا و جاه
(۱۰۱) اجتماع نمودن مردم بدو و کسب دنیایا
اقبال کرده و بر دیگران غالب گردیده
(۱۰۲) مدح و سرفش نمودن طالب جلال و
مدح و تعظیم کردن طالب حرام
(۱۰۳) انیان کردن با امور غیر مشروع و غیر معنی
در شهر مکه و مدینه
(۱۰۴) اشکار شدن لایطه و لعین در شهر
مکه و مدینه
(۱۰۵) سرفش کردن با مکرانه بمشرف و نهی کنندار
(۱۰۶) تبعیت نمودن مردم از اهل شر
(۱۰۷) خاله شدن راه و حوا از سال و راه رند
(۱۰۸) استهزا نمودن با مؤمنان بعد از از هاق
روح آنها بر آنها کریم نکردن
(۱۰۹) پیشتر بود در ره کمالی بدعت شرارت
(۱۱۰) متابعت نمودن مردم مکر اغنیاء را
(۱۱۱) چیز دادن و دهم کردن بر فطرت و نه برای خدا
بلکه برای خندیدن بانها

این کمال که ائمه ای ایران حق تشکیل مجلس شورای از دربار دولت تحصیل کرده اند. این مردم لایزالند چه
شوق و شغفی دارند و چه شور و شغبی می اندازند. بطایف محل که تشریح و تفسیر نمکنیم خود را در متن و
حاشیه مجلس درود داد و با هزار امید و آری بساعت مجلس با خیالات خبیثه خودشان مشغول گزند
و میگویند مجلس اما بر پا کردیم و شب و روز بتفقی در میان رو سارت و شوق عصای انت میگذرانند
و هر طرف که فریب آنها را خورد و خود را می بندند و نسبت بطرف دیگر جبارت و جرات بهرسانید
هرزگی را که حسرت و اینهاست احتمال میکنند مثل ذوات الزیارات که بغاشی و شطامی رواج
متاع خود میدهند آنحضرت که لاند سبهای روزگار بمن دشنام میدهند و بابیای معلوم اهل
بامن دشمنی میکنند پناه میرم بخدای تعالی از اینکه این سخی مردم فرید من بشنند و از ضرب و محارم من
محبوب بشوند و بزبان و قلم اینها اکل ادیان را تهقیص کنیم و در اتم شرایع طعن و طعنه بزنم
باری این فسق فاسد و منفذ همه بدانند که هیچ حیل و هیچ مکر برای آنها سود نخواهد بخشید و محک
بماط شریعت مقدسه محمدیه نمیتواند برچید آری بسا آرزو که خاک شده

مجلس دارالشورای کسبرای اسلامی است و بسای مشکوره و حج اسلام و ثواب عاتقه امام قائم شده و برای
خدمت و معاونت دربار دولت شیعه اثنی عشری و حفظ حقوق پیروان مذهب جعفری تأسیس گردیده است
نکته نیست که آثار پارلمنت پاریس و انگلیس آن مترتب کرد و قانون آزادی عقاید و قلام و تفسیر شرایع و احکام
از آن گرفت و برافستاد و آثارخانه و اشاعه فواحش و کشف مخدرات و آباء منکرات نایل گردید

(در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم بطبع رسید) و در محله

بهیات ضرب با محمد البارد